

پیش بینی علاقه اجتماعی براساس نیازهای بنیادین روان شناختی و جو عاطفی خانواده

منیر پوری محمد^۱

مالک میرهاشمی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی علاقه اجتماعی براساس نیازهای بنیادین روان شناختی و جو عاطفی خانواده انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی و جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه آزاد واحد رودهن در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود. حجم نمونه براساس روش کرامر، ۱۶۰ نفر برآورد و به روش تصادفی چندمرحله‌ای برگزیده شدند. افراد نمونه، سه پرسشنامه نیازهای بنیادین روانشناختی، جو عاطفی خانواده و علاقه اجتماعی کراندل را تکمیل کردند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه حاکی از این بود که علاقه اجتماعی براساس نیازهای بنیادین روان شناختی و جو عاطفی خانواده قابل پیش بینی است و دو متغیر جو عاطفی خانواده و مولفه ارتباط نیازهای بنیادین روان شناختی با متغیر علاقه اجتماعی همبستگی مثبت و معنادار دارند.

واژه‌گان کلیدی: علاقه اجتماعی، نیازهای بنیادین روان شناختی، جو عاطفی خانواده.

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه روان شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران
m.pourimohammad.2017@gmail.com

۲- دانشیار گروه روان شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (نویسنده مسئول)
mirhashemi@riau.ac.ir

مقدمه

در سال‌های اخیر بررسی تاثیر علاقه اجتماعی^۱ بر بروز رفتارهای سازش یافته یکی از زمینه‌های نوین پژوهش است. خاستگاه نظری این دسته از پژوهش‌ها مفهوم علاقه اجتماعی است که توسط محققان مختلفی مانند پیشنهاد شده است. علاقه اجتماعی در قالب مجموعه رفتارهای آموخته شده‌ای در نظر گرفته شده است که فرد را قادر می‌سازد با دیگران رابطه اثربخشی داشته و از رفتارهای نامعقول اجتماعی خودداری نماید. برقراری ارتباط و مشارکت با دیگران، حل مسئله، تصمیم‌گیری، خودمدیریتی و روابط با همسالان مثال‌هایی از این نوع رفتار است که تمامی افراد را برای مقابله و سازش بهینه با نیازهای روزانه محیط اجتماعی قادر می‌سازد (گرشام^۲، ۲۰۰۰؛ به نقل از خلعتبری و قربان‌شیرودی، ۱۳۸۹). از نظر آدلر^۳، علاقه اجتماعی پایه و اساس تمام پیشرفت‌های مهم تمدن است و هستی انسان‌ها تنها با برخورد مناسب با دیگران و عضویت او در جامعه با ارزش است. علاقه اجتماعی یکی از مفاهیم عنوان شده به وسیله آدلر و مفهوم مرکزی تئوری شخصیت او است (بیگب^۴، ۲۰۰۸). آدلر علاقه اجتماعی را به صورت ایجاد رابطه نزدیک با دیگران انسان‌ها تعریف می‌کند و این رابطه را در مطلوب‌ترین وجه به صورت عشق برادرانه توصیف می‌کند. بنابر نظر آدلر، علاقه اجتماعی شاخص اصلی سلامت روان است و افراد برخوردار از علاقه اجتماعی تلاش خود را به سمت فعالیت‌های سودمند به حال اجتماع سوق می‌دهند (گنجی، ۱۳۹۲).

علاقه اجتماعی محور اصلی رشد اجتماعی، شکل‌گیری روابط اجتماعی، کیفیت تعامل‌های اجتماعی، سازش‌یافتگی اجتماعی و حتی سلامت روان به شمار می‌آید. یکی از ویژگی‌های علاقه اجتماعی اکتسابی بودن آن‌هاست و در حال حاضر بسیاری از محققان اتفاق نظر دارند که بیشتر رفتارهای اجتماعی آموختنی هستند؛ بنابراین شناخت عوامل موثر

¹ social interest

² Gresham

³ Adler

⁴ Bigbee

و مرتبط با علاقه اجتماعی به منظور کسب و بهبود این مسئله مهم در زندگی فردی و اجتماعی موضوع قابل بررسی است. از آنجائیکه منشا بسیاری از رفتارهای انسان وابسته به نیازهاست (مزلو^۱، ۱۹۴۳)، یکی از عواملی که ممکن است در رفتارهای اجتماعی از جمله میزان علاقه اجتماعی نقش داشته باشد، نیازهای بنیادین روان شناختی است. براساس نظریه خودتعیین گری (SDT) نیاز به خودمختاری، نیاز به شایستگی، و نهایتاً نیاز به ارتباط، سه نیاز اساسی روان شناختی و زیربنای رفتارهای انسانی محسوب می شوند، و تجربه کردن این سه احساس در ارتقاء رضایت از زندگی، اعتماد به نفس، و احساس خودارزشمندی ضروری است (دسی و ریان^۲، ۲۰۰۰)، که این ویژگی های مثبت در افراد با علاقه اجتماعی بالا نیز همراه هستند (هوبر^۳، ۲۰۰۸).

طبق با پژوهش های گذشته، علاقه اجتماعی بالا، ارضای نیازهای روانشناختی را بهبود می بخشد. برای مثال هوبر (۲۰۰۸) در مطالعات خود بیان می دارد علاقه اجتماعی با متغیرهای مربوط به نیازهای بنیادین همچون عزت نفس، فرهنگ پذیری، خودکارآمدی، سلامت روان و رضایت زندگی، منابع مقابله ای، شادکامی و شوخ طبعی و کمک های داوطلبانه رابطه مستقیمی دارد. همچنین پژوهش خباز و همکارانش (۱۳۹۴) نشان داد، اجرای برنامه آموزش علاقه اجتماعی منجر به ارتقای علاقه اجتماعی و ارضای هرچه بهتر نیازهای بنیادین روانشناختی می گردد. در این راستا پژوهش های دیگری نشان داده اند، افراد با سطوح بالای علاقه اجتماعی، ویژگیهای شخصیتی چون جامعه پذیری، درک و همکاری، حمایتگری، شکیبایی و خودمختاری مفید را دارا هستند (آیاندس^۴، ۲۰۰۸). از نقطه نظر آدلر گراها به تناسب افزایش میزان علاقه اجتماعی احساسات بی کفایتی و انزوای فرد کاهش می یابد (لیک^۵، ۲۰۰۶). بدین ترتیب، وجود صفاتی از قبیل ارتباط اجتماعی،

¹ Maslow

² Deci & Ryan

³ Huber

⁴ Ionedes

⁵ Leak

خودمختاری و احساس شایستگی در افراد با علاقه اجتماعی، ذهن پژوهشگر را به سمت سازه نیازهای بنیادین روان شناختی که مجموعه ای از سه نیاز خودمختاری^۱، شایستگی^۲، و ارتباط^۳ (دسی و رایان، ۲۰۰۰) است، معطوف ساخت. نیاز به خودمختاری به معنای نیاز فرد به خودهدایتی، خودسازماندهی تجارب و رفتارها و درگیر شدن با فعالیتهای شخصی و همچنین نیاز فرد به حق انتخاب و خودآغازگری در انجام تکالیف است (الگاردیا و پاتریک^۴، ۲۰۰۸؛ نمیک و رایان^۵، ۲۰۰۹).

نیاز به شایستگی به معنی نیاز به تاثیرگذار بودن در تعامل ها و ارتباط با محیط است که بیانگر تمایل به استفاده از استعدادها و مهارتها، دنبال کردن راه حل های بهینه و تسلط بر آنها می باشد (جانستون و فینی^۶، ۲۰۱۰). در واقع نیاز به احساس شایستگی در باور فرد به توانمندی خود در مواجهه با مسئله ای خاص متبلور می شود (رایان و همکاران، ۲۰۰۸) و نیاز به ارتباط به معنای احساس اطمینان از ارتباط با دیگران و تجربه خود به عنوان فردی شایسته و سزاوار عشق و احترام می باشد (الگاردیا و پاتریک، ۲۰۰۸). افراد فعالیت های اعتراضی خود را تا زمانی که این نیازها ارضا شوند، نگه می دارند و زمانی که با عدم ارضای این نیازها مواجه شوند، مشکلات روانشناختی ظاهر می شوند. تحقیقات متعددی نشان می دهد که عدم ارضای این نیازها نتایج ناسازگارانه ای همچون پرخاشگری، مقاومت، نزاع، اختلال های خوردن، فرسودگی، افسردگی، احساسات منفی و نشانه های بدنی را پیش بینی می کند (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ بارتولومه، انتومانیس، رایان دوگرسن - انتومانی^۷، ۲۰۱۱) و در مقابل ارضای این نیازها احساسات و هیجانات مثبت را پیش بینی می کند (کوستد و دودا^۸، ۲۰۱۰).

¹ Autonomy

² competence

³ Relatedness

⁴ La Guardia & Patrick

⁵ Niemiec & Ryan

⁶ Johnston & Finney

⁷ Bartholomew, K. J., Ntoumanis, N., Ryan, R. M., & Thøgersen-Ntoumani

⁸ Quested & Duda

موضوع اساسی دیگر در مفهوم علاقه اجتماعی توجه به جایگاه خانواده است؛ همان طور که آدلر خانواده را نخستین دنیای اجتماعی می دانست. علاقه اجتماعی توان فطری است که می تواند احساس تعهد هر کسی را جلب کند، ولی به خودی خود پرورش نمی یابد. علاقه اجتماعی باید در جو خانوادگی سالم، که همکاری، احترام، اعتماد، حمایت و تفاهم را ترغیب می کند، پرورش یابد (پروچسکا و نورکراس، ۲۰۰۷؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۳). خانواده در شکل گیری عادت‌ها و اندیشه های اجتماعی کودک نقش بسیار مهمی دارد. در شکل گیری رفتار و دیدگاه های اجتماعی فرد، جنبه های عاطفی روابط والدین و فرزندان نقش مهمی دارد (نوروزی و اسدی، ۱۳۹۳). در خانواده هایی که والدین رفتارهای محبت آمیز دارند، معمولاً کودکان نیز با رفتارهای اخلاقی مثبت و احترام به دیگران رشد می یابند. تاثیر و نفوذ خانواده بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی کودکان بی شمار است. خویشتن داری و احساس ارزشمندی خود در حال شکل گیری کودکان به شدت از نگرش های اعضای خانواده به خصوص پدر و مادر نسبت به او تاثیر می پذیرد. همچنین میزان پذیرش اجتماعی کودک از سوی همسالان و توانایی برقراری روابط صمیمانه با آنها از محیط خانوادگی او نشأت می گیرد، اگر والدین صادقانه به کودک محبت کنند و به وی اعتماد کنند، او نیز دوست داشتن دیگران و مورد علاقه دیگران بودن را یاد می گیرد (محبی نورالدین وند، مشتاقی و شهبازی، ۱۳۹۰)؛ شکل گیری چنین ویژگی هایی در فرد، پایه های علاقه اجتماعی او در آینده را رقم خواهد زد.

در بسیاری از پژوهش های انجام شده، به بررسی نقش والدین در رفتار فرزندان بویژه رفتارهای جمعی فرزندان پرداخته شده است. پژوهش محبی نورالدین و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که بین جو عاطفی اعضای خانواده با رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان پسر و دختر همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. در پژوهش دیگری نوابخش و فتحی (۱۳۹۰) نشان دادند، هر کدام از شیوه های تربیتی حاکم بر خانواده ها که والدین در

جهت تربیت فرزندان بکار می‌گیرند خود دارای تاثیراتی در جهت سازگاری اجتماعی فرزندان دارد. قادری (۱۳۸۹) طی پژوهشی نشان داد که بین شیوه‌های تربیتی سهل‌گیرانه و استبدادی با عدم سازگاری اجتماعی - عاطفی رابطه مثبت وجود دارد. نتایج پژوهش مهدوی و ظهیری (۱۳۹۰)، نشان داد که سرمایه اجتماعی والدین با سبک استبدادی رابطه منفی و با سبک دموکراتیک رابطه مثبت دارد. یافته‌های مطالعه آربونا^۱ و همکاران (۲۰۰۳) بیانگر این بود که نوع رفتار والدین در میزان عزت نفس فرزندان و درگیری آنها در رفتارهای ضد اجتماعی مؤثر می‌باشد. براساس مطالب مطرح شده، با توجه به اهمیت علاقه اجتماعی که براساس نظر آدلر به عنوان شاخص اصلی سلامت روان در کودکی و بزرگسالی به شمار می‌رود و علاقه اجتماعی بالا، فرد را به سوی انجام فعالیت‌های مفید برای جامعه سوق می‌دهد، بررسی عوامل مرتبط با این متغیر از ضرورت بالایی برخوردار است. علاوه بر این با توجه به اینکه، علاقه اجتماعی تلاشی است از سوی افراد برای ارتقاء جامعه و آینده‌ای بهتر برای آیندگان و تا حدود زیادی تحت تاثیر فضای عاطفی، ارزش‌های حاکم بر خانواده و مناسبات میان اعضاء آن می‌باشد. فرآهم بودن زمینه‌ها و پیش‌نیازهای رشد علاقه اجتماعی، موجب ترجیح علائق اجتماعی در مقایسه با رقابت‌جویی‌های فردی از سوی فرد از اوان کودکی و انتخاب آن به عنوان یکی از وجوه بارز سبک زندگی که آن هم یکی از مفاهیم کلیدی آدلر می‌باشد، خواهد گردید. بنابراین در این پژوهش با توجه به نقش نیازهای بنیادین روان‌شناختی به عنوان یکی از کلیدی‌ترین عوامل بروز رفتارهای فرد و خانواده به عنوان مهم‌ترین جایگاه شکل‌گیری اندیشه‌های اجتماعی فرد، به دنبال پاسخگویی به سؤال اساسی هستیم که علاقه اجتماعی را می‌توان براساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و جو عاطفی خانواده پیش‌بینی نمود؟

^۱ Arbona

روش

با توجه به هدف پژوهش که رابطه بین متغیرهای نیازهای بنیادین روان شناختی و جو عاطفی خانواده با متغیر علاقه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت، روش تحقیق، توصیفی-همبستگی بود.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانشجویان دانشگاه آزاد واحد رودهن در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود. تعداد نمونه مناسب براساس فرمول کرامر به ازای هر سطح پیش بینی کننده ۴۰ نفر در نظر گرفته شد، با توجه به اینکه نیازهای بنیادین روان شناختی دارای سه سطح، و جو عاطفی خانواده دارای یک سطح بودند، در کل حجم نمونه ۱۶۰ نفر در نظر گرفته شد. در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی چندمرحله ای استفاده شد. به این ترتیب که از بین دانشکده های مختلف دانشگاه آزاد رودهن، به تصادف ۴ دانشکده انتخاب شد و از هر دانشکده، ۲ کلاس و در نهایت، کل دانشجویان کلاس های منتخب مورد آزمون قرار گرفتند.

ابزار اندازه گیری

پرسش نامه نیازهای بنیادین روانشناختی

این مقیاس بر اساس نظریه خودتعیین گری (SDT) توسط دسی و ریان (۲۰۰۰) ساخته شده است. این مقیاس شامل ۲۱ سؤال است که سه نیاز اصلی شامل خودمختاری، شایستگی، و ارتباط را اندازه گیری می کند. شیوه نمره گذاری در این مقیاس به روش لیکرت از یک تا هفت درجه است که جمع نمره های بدست آمده از هر خرده مقیاس حاکی از میزان برآورده شدن احساس نیاز در آن زمینه است. سوال های شماره ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۲۰ نیاز خودمختاری؛ سوال های شماره ۳، ۴، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۹ نیاز شایستگی؛

و سوال های شماره ۲، ۶، ۷، ۹، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۱ نیاز به ارتباط را می‌سنجد. سوال های شماره ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۳، ۵، ۷ و ۲۰ بر عکس نمره گزاری می‌شوند. کتابی و همکاران (۱۳۹۱)، ضریب آلفای کراباخ ۰/۶۹ تا ۰/۷۱ را برای این مقیاس و ۰/۸۶ را برای خرده مقیاس های خودمختاری، شایستگی، و ارتباط گزارش نموده است. ضرایب پایایی حاصل از اجرای آن روی مادر، پدر، شریک رمانتیک و دوستان آزمودنی ها به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۲، ۰/۹۲، ۰/۹۲ گزارش شده است. این مقیاس در نمونه های مدیران و دانشجویان ایرانی اجرا شده و از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است. به طوری که آلفای آن بین ۰/۷۴ تا ۰/۷۹ در نوسان است. فتاحی (۱۳۸۸) در مطالعه روی ۱۰۰ جانباز همبستگی نمرات افراد در آزمون سلامت روانی با مولفه خودمختاری ($r=0/26, P<0/001$) و شایستگی ($r=0/39, P<0/001$)، ارتباط، ($r=0/29, P<0/001$) مثبت بود. بدری گرگری (۱۳۷۴) همبستگی نمرات افراد در MBA را با نمرات آنان در پرسشنامه حمایت اجتماعی محاسبه کرد که این همبستگی مثبت و معنی دار است، نتایج حاصل نشان از روایی بالای پرسشنامه مذکور است.

پرسشنامه جو عاطفی خانواده

این پرسش نامه در سال ۱۳۷۳ توسط نودرگاه فرد به منظور بخش جو عاطفی خانواده ساخته شده و شامل ۳۵ سوال ۵ گزینه ای در طیف لیکرت است. آزمودنی با انتخاب هریک از گزینه ها وضعیت خانواده ی خود را در هر سوال مشخص می‌کند. مثلاً اگر در قسمت خیلی زیاد علامت گذاری کند، یعنی این وضعیت در خانواده ی او به طور کامل وجود دارد. برای پاسخ ها نمرات زیر در نظر گرفته می‌شود: (خیلی زیاد ۵، زیاد ۴، گاهی ۳، کم ۲، هرگز ۱) و حداکثر نمره ۱۷۵ و حداقل نمره ۳۵ است. جمع نمره خام آزمودنی در هر سوال نمره کل او را در این آزمون تشکیل می‌دهد. این پرسشنامه توسط نودرگاه فرد در مورد یک نمونه ی ۵۰۰ نفری از دانشجویان مجرد ۱۷ تا ۲۳ ساله ی دانشگاه آزاد

کرج و قوچان و دانشگاه تهران اجرا و ضریب اعتبار آن با استفاده از روش تصنیف معادل ۰/۹۴ محاسبه شد.

پرسشنامه علاقه اجتماعی کراندل

این پرسشنامه توسط کراندل (۱۹۷۶) طراحی شده و شامل ۲۴ جفت سوال است که در ۱۵ جفت یک صفت خودگرایانه در مقابل دیگرگرایانه آورده شده است که پاسخ به صفت دیگرگرایانه آن یک امتیاز در نظر گرفته می شود و از سطح ۰-۷ علاقه اجتماعی سطح پایین، ۷-۹ سطح علاقه اجتماعی متوسط و از ۹-۱۵ سطح بالا را نشان می دهد. ۶ عبارت باقیمانده دو نگرش متفاوت به هستی را نشان می دهد که در امتیاز دهی حائز اهمیت نمی باشد. کراندل، روایی پرسشنامه خود را ۰/۷۷ گزارش کرده است. همچنین پژوهشی که توسط قدمعلی صورت گرفته ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۶۹ گزارش کرده است.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش ملاحظات اخلاقی زیر رعایت شده است:

- رعایت حق بی نام بودن پرسشنامه ها و استفاده از کد به جای نام افراد؛
- توضیح اهداف و مراحل انجام مطالعه قبل از ارائه پرسشنامه؛
- محرمانه نگهداشتن اطلاعات مشارکت کنندگان؛
- در اختیار گذاشتن نتایج پژوهش برای مشارکت کنندگان در صورت درخواست آنها؛
- داوطلبانه و اختیاری بودن شرکت در پژوهش.

یافته ها

در این تحقیق، متناسب با متغیرهای مورد مطالعه و نوع داده های جمع آوری شده، به منظور توصیف آنان از شاخص های گرایش مرکزی، پراکندگی و توزیع نمره ها استفاده شد. در مرحله تحلیل آماری، با توجه به ماهیت مقیاس اندازه گیری که از نوع فاصله ای

است و فرضیه های تحقیق برای تحلیل داده‌ها حسب مورد از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. پس از بررسی داده‌ها از طریق اکسپلور، از مجموع ۱۵۳ پرسشنامه سالم، داده‌های ۴ شرکت کننده (شماره‌های ۲۴، ۶۷، ۱۱۸ و ۱۲۶) از تحلیل کنار گذاشته شد. تعداد داده‌های گمشده نیز در حد صفر بود.

جدول ۱: خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های کل شرکت کنندگان در متغیرهای علاقه اجتماعی، جو عاطفی خانواده و نیازهای بنیادین روان‌شناختی (۳ نیاز خودمختاری، شایستگی و ارتباط) (N=۱۵۶)

متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	k-s	Sig
علاقه اجتماعی	۸/۲۰	۸	۲/۲۴	-۰/۴۹۵	۰/۷۹۵	۱/۴۰۷	۰/۰۳۸
جو عاطفی خانواده	۱۰۳/۵۳	۱۰۴	۶/۳۸	-۰/۳۲۳	۰/۳۳۲	۰/۹۳۳	۰/۳۴۹
خودمختاری	۲۸/۱۲	۲۸	۵/۸۴	۰/۱۶۶	-۰/۳۸۴	۰/۷۶۱	۰/۶۰۹
شایستگی	۲۳/۵۷	۲۴	۴/۷۷	-۰/۱۳۱	۰/۰۰۵	۰/۸۰۶	۰/۵۴۰
ارتباط	۳۱/۹۰	۳۲	۵/۰۹	-۰/۰۰۱	-۰/۵۰۳	۰/۷۸۷	۰/۵۶۶

براساس اطلاعات جدول بالا در خصوص توزیع نمره‌های شرکت کنندگان در متغیرهای علاقه اجتماعی، جو عاطفی خانواده و نیازهای بنیادین روان‌شناختی (۳ نیاز خودمختاری، شایستگی و ارتباط)، شاخص‌های مختلف توصیفی اعم از میانگین و میانه (فاصله ناچیز بین این دو شاخص)، شاخص‌های کجی و کشیدگی (که در دامنه -۱ و +۱ قرار دارند) و همچنین نتایج آزمون نرمالیتی کولموگروف-اسمیرنوف (بجز متغیر علاقه اجتماعی که با توجه به میزان مقادیر کجی و کشیدگی می‌توان توزیع آن را نرمال فرض کرد). نشان می‌دهد که توزیع نمره‌های گروه نمونه در متغیرهای اندازه‌گیری شده به توزیع نرمال میل دارند.

فرضیه: علاقه اجتماعی براساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و جو عاطفی خانواده قابل پیش‌بینی است.

(N جدول ۲: خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها (۱۵۶ =

متغیرها	علاقه اجتماعی
	r
جو عاطفی خانواده	۰/۲۸۱**
خودمختاری	-۰/۰۳۷
شایستگی	۰/۰۱۵
ارتباط	۰/۳۷۴**

معنادار در سطح ۰/۰۱**

با توجه به ضرایب به دست آمده می توان نتیجه گرفت که تنها دو متغیر جو عاطفی خانواده و نیاز بنیادین ارتباط با علاقه اجتماعی همبستگی معنادار دارند (۰/۰۱ < p). حال آن که بقیه متغیرها با علاقه اجتماعی همبستگی معنادار ندارند

جدول ۳-۴: خلاصه ضرایب رگرسیون

پیش بینی کننده ها	B	β	t	Sig	دوربین-واتسون
عدد ثابت	۷/۴۹۴	-	۲/۴۰۸*	۰/۰۱۷	۲/۱۰۸
جو عاطفی خانواده	-۰/۰۹۶	۰/۲۷۴	۳/۶۸۰**	۰/۰۰۱	
خودمختاری	-۰/۰۰۷	-۰/۰۱۹	-۰/۲۵۱	۰/۸۰۲	
شایستگی	۰/۰۱۷	۰/۰۳۶	۰/۴۷۸	۰/۶۳۳	
ارتباط	۰/۱۷۵	۰/۳۹۷	۵/۳۳۱**	۰/۰۰۱	

$R^2 = ۰/۲۲۷$; $F = ۱۱/۲۸۶$ **؛ $R^2 = ۰/۰/۲۴۹$ ؛ $R = ۰/۴۹۹$

**معنادار در سطح ۰/۰۱؛ *معنادار در سطح ۰/۰۵

همان طور که در جدول بالا مشاهده می شود، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۲۴۹) بدین معنی است که ۲۴/۹ درصد از واریانس متغیر علاقه اجتماعی توسط ۴ متغیر جو عاطفی خانواده، نیاز خودمختاری، شایستگی و ارتباط تبیین می شود. به عبارت دیگر، ۲۴/۹ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر علاقه اجتماعی توسط این متغیرها توجیه می شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۴۹۹) نیز نشان دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر

می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۱۱/۲۸۶) در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر علاقه اجتماعی همبستگی معنادار وجود دارد. در نتیجه، شواهد برای پذیرش فرضیه تحقیق کافی است. با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که تنها دو متغیر جو عاطفی خانواده و ارتباط با متغیر علاقه اجتماعی همبستگی معنادار دارند. علامت ضرایب بتای به دست آمده نشان داد که دو متغیر جو عاطفی خانواده و ارتباط با متغیر علاقه اجتماعی همبستگی مثبت و معنادار دارند. به عبارت دیگر، با افزایش در این مولفه‌ها نمره علاقه اجتماعی افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی علاقه اجتماعی براساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و جو عاطفی خانواده انجام شد. براساس یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر علاقه اجتماعی همبستگی معنادار وجود دارد. با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که تنها دو متغیر جو عاطفی خانواده و ارتباط با متغیر علاقه اجتماعی همبستگی معنادار دارند. علامت ضرایب بتای به دست آمده نشان داد که دو متغیر جو عاطفی خانواده و ارتباط با متغیر علاقه اجتماعی همبستگی مثبت و معنادار دارند. به عبارت دیگر، با افزایش در این مولفه‌ها نمره علاقه اجتماعی افزایش می‌یابد. براساس بررسی پیشینه‌های پژوهشی اکثر تحقیقات به بررسی نقش این متغیر بر متغیرهای دیگر نظیر سلامت روان، خودکارآمدی، سلامت روان و رضایت زندگی و... پرداخته شده است. تنها در تعداد اندکی از تحقیقات، عوامل تاثیرگذار بر علاقه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله پژوهش خباز و همکارانش (۱۳۹۴) که نشان داد، اجرای برنامه آموزش علاقه اجتماعی منجر به ارتقای علاقه اجتماعی و ارضای هرچه بهتر نیازهای بنیادین روانشناختی می‌گردد. همچنین هوبر (۲۰۰۸)

طی پژوهشی به این نتیجه رسید، علاقه اجتماعی با متغیرهای مربوط به نیازهای بنیادین رابطه مستقیمی دارد.

پژوهش محبی نورالدین و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که بین جو عاطفی اعضای خانواده با رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان پسر و دختر همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. در پژوهش دیگری نوابخش و فتحی (۱۳۹۰) نشان دادند، هر کدام از شیوه های تربیتی حاکم بر خانواده ها که والدین در جهت تربیت فرزندان بکار می گیرند دارای تاثیراتی در جهت سازگاری اجتماعی فرزندان دارد. قادری (۱۳۸۹) طی پژوهشی نشان داد که بین شیوه های تربیتی سهل گیرانه و استبدادی با عدم سازگاری اجتماعی - عاطفی رابطه مثبت وجود دارد. نتایج پژوهش مهدوی و ظهیری (۱۳۹۰)، نشان داد که سرمایه اجتماعی والدین با سبک استبدادی رابطه منفی و با سبک دموکراتیک رابطه مثبت دارد. یافته های مطالعه آربونا و همکاران (۲۰۰۳) بیانگر این بود که نوع رفتار والدین در میزان عزت نفس فرزندان و درگیری آنها در رفتارهای ضد اجتماعی مؤثر است. در تبیین نتیجه به دست آمده، می توان اظهار نمود که یکی از ویژگی های علاقه اجتماعی اکتسابی بودن آنهاست و در حال حاضر بسیاری از محققان اتفاق نظر دارند که بیشتر رفتارهای اجتماعی آموختنی هستند؛ بنابراین علاقه اجتماعی نیز به عنوان یک رفتار اجتماعی تحت تاثیر عوام دیگر قابل افزایش و یا کاهش می باشد. از آنجائیکه منشا بسیاری از رفتارهای انسان وابسته به نیازهاست (مزلو، ۱۹۷۰)، یکی از عواملی که می تواند در رفتارهای اجتماعی از جمله میزان علاقه اجتماعی نقش داشته باشد، نیازهای بنیادین روان شناختی است. براساس نظریه خودتعیین گری (SDT) نیاز به خودمختاری، نیاز به شایستگی، و نهایتاً نیاز به ارتباط، سه نیاز اساسی روان شناختی و زیربنای رفتارهای انسانی محسوب می شوند، و تجربه کردن این سه احساس در ارتقاء رضایت از زندگی، اعتماد به نفس، و احساس خودارزشمندی ضروری است (دسی و ریان، ۲۰۰۰)، که این ویژگی های مثبت در افراد با علاقه اجتماعی بالا نیز همراه هستند (هوبر، ۲۰۰۸). به ویژه براساس یافته پژوهش حاضر، نیاز به ارتباط که

در واقع پایه اصلی رفتارهای اجتماعی و تعاملات افراد با یکدیگر محسوب می‌شود، نقش مهمی می‌تواند در بروز علاقه اجتماعی داشته باشد.

نیاز به ارتباط با دیگران عبارت است از نیاز افراد به اینکه احساس کنند با دیگران رابطه داشته و از جانب آن‌ها حمایت می‌شوند (جانستون و فینی، ۲۰۱۰). همه افراد تعامل اجتماعی، روابط گرم و صمیمی را دوست دارند (وی، شافر، یانگ و زاکالیک، ۲۰۰۵). ادراک ارتباط به عنوان شکلی از تأثیرات اجتماعی است و به معنای ارتباط با کسانی است که برای فرد اهمیت دارند و یا از او حمایت می‌کنند (روکا و گاگنی، ۲۰۰۸). این نیاز متوجه به پیوند با دیگران و دریافت حمایت از جانب افراد مهمی چون رئیس، والدین، معلمان و یا دوستان و همکاران است. ارتباط با دیگران زمینه اجتماعی درونی سازی را فراهم می‌کند، فرآیندی که از طریق آن فرد ارزش‌های بیرونی را به درونی تبدیل می‌کند (ریو، ۲۰۰۵، ترجمه‌ی محمدی، ۱۳۹۰). ارتباط با دیگران، تمایل به ارتباط داشتن با دیگران، دوست داشتن و حمایت کردن دیگران و همچنین دوست داشته شدن و حمایت شدن از سوی دیگران است (بامیسترو لیری، ۱۹۹۵؛ بالبی، ۱۹۵۸؛ ریان، ۱۹۹۳؛ به نقل از دسی و ریان، ۲۰۰۰) که همگی این صفات در بروز علاقه اجتماعی نقش تسهیل کننده‌ای را ایفا می‌نمایند. همان‌طور که بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند، افراد با سطوح بالای علاقه اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی چون جامعه‌پذیری، درک و همکاری، حمایتگری، شکیبایی و خودمختاری مفید را دارا هستند (آیاندس، ۲۰۰۸). از نقطه نظر آدلرگراها به تناسب افزایش میزان علاقه اجتماعی احساسات بی‌کفایتی و انزوای فرد کاهش می‌یابد (لیک، ۲۰۰۶).

در تبیین رابطه مثبت جو عاطفی خانواده با علاقه اجتماعی می‌توان اذعان نمود، خانواده به عنوان کلیدی‌ترین عامل در پرورش رفتارهای اجتماعی انسان، بسیار تاثیرگذار می‌باشند. براساس نظر آدلر خانواده نخستین دنیای اجتماعی است. علاقه اجتماعی توان فطری است که می‌تواند احساس تعهد هر کسی را جلب کند، ولی به خودی خود پرورش نمی‌

باید. علاقه اجتماعی باید در جو خانوادگی سالم، که همکاری، احترام، اعتماد، حمایت و تفاهم را ترغیب می کند، پرورش یابد (پروچسکا و نور کراس، ۲۰۰۷؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۳). خانواده در شکل گیری عادت ها و اندیشه های اجتماعی کودک نقش بسیار مهمی دارد. در شکل گیری رفتار و دیدگاه های اجتماعی فرد، جنبه های عاطفی روابط والدین و فرزندان نقش مهمی دارد، در خانواده هایی که والدین رفتارهای محبت آمیز دارند، معمولاً کودکان نیز با رفتارهای اخلاقی مثبت و احترام به دیگران رشد می یابند. تاثیر و نفوذ خانواده بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی کودکان بی شمار است. خویشن داری و احساس ارزشمندی خود در حال شکل گیری کودکان به شدت از نگرش های اعضای خانواده به خصوص پدر و مادر نسبت به او تاثیر می پذیرد. همچنین میزان پذیرش اجتماعی کودک از سوی همسالان و توانایی برقراری روابط صمیمانه با آنها از محیط خانوادگی او نشأت می گیرد، اگر والدین صادقانه به کودک محبت کنند و به وی اعتماد کنند، او نیز دوست داشتن دیگران و مورد علاقه دیگران بودن را یاد می گیرد (محبی نورالدین وند، مشتاقی و شهبازی، ۱۳۹۰)؛ شکل گیری چنین ویژگی هایی در فرد، پایه های علاقه اجتماعی او در آینده را رقم خواهد زد.

در این پژوهش امکان کنترل متغیرهایی همچون وضعیت سلامت روانی و ویژگی های شخصیتی شرکت کنندگان میسر نشد. همچنین محدودیت مطالعات همبستگی به دلیل عدم امکان تفسیر علی از نتایج و حذف برخی داده ها به دلیل پرت بودن نیز از محدودیت های این تحقیق بود.

بر اساس یافته های پژوهش مبنی بر رابطه مثبت نیاز به ارتباط با علاقه اجتماعی، پیشنهاد می گردد در جهت ارضای نیاز به ارتباط در خانواده و جامعه اقدامات لازم انجام گیرد از جمله پرورش مهارت های اجتماعی، حمایت اجتماعی، همکاری، حس نوع دوستی، عزت نفس و سایر عوامل مرتبط با برآورده شدن این نیاز که می توان از طریق برگزاری کلاس های آموزشی و کارگاه ها در جهت تقویت این عوامل، تلاش کرد. با توجه به رابطه مثبت

جو عاطفی خانواده با علاقه اجتماعی، پیشنهاد می‌گردد در خانواده‌ها، جو خانوادگی سالم، که اصولی نظیر همکاری، احترام، اعتماد، حمایت و تفاهم در بین اعضای خانواده همواره رعایت می‌گردد، همواره برقرار باشد که برای رسیدن به این مهم، آموزش خانواده‌ها بویژه والدین در زمینه ارتباطات سازنده و به دور از تعارضات می‌تواند موثر باشد.

منابع

- (۱) پروچسکا، جیمز. و نوکراس، جان. سی (۱۹۹۹). **نظریه های روان درمانی**، ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۹۳)، تهران: انتشارات رشد.
- (۲) خباز، محمود، حمید علیزاده، علی دلاور، صغری ابراهیمی قوام، رضا رستمی و زهرا بهجتی (۱۳۹۴). «تأثیر برنامه آموزش علاقه اجتماعی (مادر- کودک) بر ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی - کودکان با اختلال نافرمانی مقابله ای»، **فصلنامه پژوهش های کاربردی روانشناختی**، ۶، ۴: ۱۵-۳۰.
- (۳) خلعتبری، جواد، قربان شیروودی، شهره، رهبر طارم‌سری، خدیجه، کیخای، فرزانه، محمد، مجتبی (۱۳۸۹). «مقایسه ی اثر بخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر ابراز وجود و سلامت روان دانش آموزان کم توان ذهنی»، **فصلنامه روانشناسی تربیتی**، ۱(۴): ۷۱-۸۶.
- (۴) قادری ز، خدادادی ز، عباسی ز (۱۳۸۹). «اثر بخشی گروه درمانی تلفیقی به شیوه ی تصمیم گیری دوباره و روایت درمانی بر کنترل عواطف در نوجوانان دختر شهر شیراز»، **فصلنامه زن و جامعه**، شماره ۳: ۱۳۷-۱۵۴.
- (۵) گنجی، مهدی (۱۳۹۲). **نظریه های شخصیت**، تهران: انتشارات ساوالان.
- (۶) محبی نورالدین و نند محمدحسین، مشتاقی سعید، شهبازی مسعود (۱۳۹۳). «رابطه بین جو عاطفی خانواده با رشد مهارت های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر و دختر پایه های چهارم و پنجم ابتدایی شهرستان مسجد سلیمان»، **پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی- برنامه ریزی درسی)**، پاییز، دوره ۸، شماره ۳۰: ۸۴-۹۳.
- (۷) مهدوی، سید محمد صادق، ظهیری، هوشنگ (۱۳۹۰). «نقش سرمایه اجتماعی درون خانواده بر سبک های اجتماعی شدن فرزندان»، **مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، ۳(۳): ۵۱-۶۴.
- (۸) نوابخش، مهرداد، فتحی، سروش (۱۳۹۰). «شیوه های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان»، **فصلنامه پژوهش دینی**، بهار و تابستان، دوره، شماره ۸: ۹۹-۶۴.
- (۹) نوروزی، سهراب، اسدی، آلیس (۱۳۹۳). «بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی دانش آموزان»، **اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی**

و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران: موسسه آموزش عالی مهر اروند،

مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.

- 10) Arbona, C. & Power, T. G. (2003). Parental attachment, self-esteem and antisocial behaviors among African American, European American and Mexican American adolescents. *Journal of Counseling Psychology*, (1)50, 40-51.
- 11) Bartholomew, K. J., Ntoumanis, N., Ryan, R. M., & Thogersen-Ntoumani, C. (2011). Psychological need thwarting in the sport context: Assessing the darker sides of athletic experience. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 33, 75-102
- 12) Bigbee, A. (2008). The Relationship between Religion, Social Interest, and Wellness in Adults. PhD thesis. Crandall, J.E. (1975). A scale for social interest. *Journal of Individual Psychology*, 30, 187-195. Crandall, J.E. (1980). Adler's concept of social interest: Theory,
- 13) Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "What" and "Why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination. *Psychological Inquiry* 2000, Vol. 11, No. 4, 227-268.
- 14) Huber, J. (2008). Reading in the theory of individual psychology. A collection of later writings, Slavik, S. & Carlson, J. (EDS.). New York & London.
- 15) Ionedes, N. (2008). An exploration of social interest therapy as a treatment for depression in the elderly. Phd. Dissertation of P psychology. Capella University.
- 16) Johnston, M., & Finney, S. (2010). Measuring basic needs satisfaction: Evaluating previous and conducting new psychometric evaluations of the basic needs satisfaction in general scale. *Psychology of Export and Exercise*, 11, 91-99.
- 17) La Guardia, J. G., & Patrick, H. (2008). Self-determination theory as a fundamental theory of close relationships. *Canadian Psychology*, 49(3), 201-209.
- 18) Leak, G. K. (2006a). An empirical assessment of the relationship between social interest and spirituality. *The Journal of Individual Psychology*, 62, 59-69.
- 19) Maslow, A. H. (1943). A theory of human motivation. *Psychological Review*, 50(4), 370-396.
- 20) Niemiec, C. P., & Ryan, R. M. (2009). Autonomy, competence, and relatedness in the classroom: Applying self-determination theory to educational practice. *Theory and Research in Education*, 7 (56), 133-144.

- 21) Quested, E., & Duda, J. L. (2010). Exploring the Social-Environmental Determinants of Welland Ill-Being in Dancers: A Test of Basic Needs Theory. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 32, 39-60.
- 22) Ryan, R. M., Patrick, H., Deci, E. L., & Williams, G. C. (2008). Facilitating health behaviour change and its maintenance: Interventions based on Self-Determination Theory, *The European Health Psychologist*, 10, 2-5.